

بسم الله الرحمن الرحيم

## بررسی مبانی اقتصاد اسلامی

دکتر علی غضنفری

استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

### چکیده

اقتصاد اسلامی در مبنا و بنا با اقتصاد های موجود در کشورهای دیگر متفاوت است که مع الاسف معرفی نشدن و خاصه معرفی ناقص آن موجب شده است خود را آنگونه که هست به جهان نشان ندهد. و حیانی بودن و نگاه درجه دوم به سود مالی از جمله مهمترین معینه های این اقتصاد شمرده می شود. در این مقاله سعی شده است به بینش توحیدی و نگاه آلی به دنیا و نیز عدالت و توکل به عنوان چهار شاخصه مهم اقتصاد اسلامی اشاره رود. موانع عدالت اجتماعی که شرط تحقق عدالت است و نیز آثار مثبت و مهم توکل به جهت تاثیر بسیار آن در زندگی از جمله مباحثی است که میتوان در این بحث به آن پرداخت. محقق بر آن است تا نشان دهد توجه و بی توجهی به این شاخصه ها، اساسی ترین پایه های ثبات و یا تزلزل در اقتصاد را پی ریزی می کند. بی شک اختلاف مبانی پاسخ چرایی اختلاف عملکرد اقتصاد اسلامی با سایر اقتصادهای موجود است.

**کلیدواژه ها:** قرآن، اقتصاد، مقایسه، اسلام

### مقدمه

تفاوت مبنایی اقتصاد اسلامی با اقتصاد مکاتیب موجود دنیا را در وحیانی بودن اقتصاد اسلامی و نگاه مادی به کار یا نیروی کار در مکاتیب دیگر جهان مشاهده نمود.

به بیان دیگر در اقتصاد اسلامی توجه به مبداء و معاد و نیز رفتار انسان در بین این دو، نقطه پیشاپیش هرگونه نگاه دیگر است، در حالی که در سایر آیین ها، نیروی انسانی و یا کار و نه اهداف معنوی وی در اولویت قرار می گیرد و بلکه مبنای ریشه ای محسوب می شود.

بر همین اساس است که نگاه اسلام صرفاً به سود مادی حاصل شده از فعالیت اقتصادی منعطف نمی شود، بلکه اسلام حتی سود ضرر رسان را منع کرده است. در اقتصاد اسلامی چه بسا

کار با ضرر مادی توجیه مطلوب شود و یا کار بدون ضرر مادی، مردود اعلام گردد. چرا که هدف این اقتصاد اعتلای انسان در چرخه بین مبداء و معاد است.

### ویژگی‌های مبنایی اقتصاد مبتنی بر دین

اقتصاد از واژه قصد به معنای استقامت و اعتدال است ولی چون اعتدال در مسائل مربوط به ثروت بکار برده شده است، در این گونه موارد واژه اقتصاد به معنای اصطلاحی میانه روی استفاده شده است. برخی اقتصاد را کشف قوانین حاکم بر اشتغال افراد جامعه می‌دانند و عده‌ای آن را در علل ثروت منحصر نموده‌اند اما روی هم رفته این تعریف با توجه به معنای لغوی و اصطلاحی آن دور از ذهن نیست که اقتصاد روش مطلوب در تولید و توزیع و مصرف به منظور بهره‌گیری از منافع مادی و معنوی آن است و لذا می‌توان گفت اقتصاد بر سه پایه تولید، توزیع و مصرف استوار است.

اقتصاد در مکتب اسلام دارای خصوصیات مربوط به خود است که از جمله آنها:

۱- انحصار مالکیت هستی برای خدا. *لَلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ*. بقره ۲۸۴.

۲- اثبات و تقویت همه جانبه اصل لا ضرر، رفتار انسانی نباید به کسی ضرر برساند. *وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ، الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ، وَإِذَا كَالَهُمْ أَوْوزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ، أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ، لِيَوْمٍ عَظِيمٍ. مطففين ۱ تا ۵.*

۳- تشویق جدی به سرمشق شدن عدالت. *أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ، وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَ لَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ.* رحمن ۸ و ۹.

۴- منع گسترده دنیا طلبی. *وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ.* توبه ۳۴.

۵- تشویق به کار و تلاش امام کاظم علیه السلام می فرماید: *إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يُبْغِضُ الْعَبْدَ النَّوَامَ الْفَارِغَ* خداوند عز و جل از بنده پر خواب و بیکار در خشم است. وسایل الشیعه - جلد ۱۲ - صفحه ۳۶.

۶- بیان موانع رشد اقتصادی چون ربا، رشوه، اسراف و... نیز حرمت خرید و فروش برخی کالاها *حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالْدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنزِيرِ وَمَا أُهْلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النَّصَبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَلِكُمْ فِسْقٌ...مائده ۳.*

۷- منع ثروت اندوزی *وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ.* شوری ۲۷.

۸- بیان مصارف و مجازات های مالی چون انفاق واجب یا مستحب، کفارات و سایر جرایم. در برابر این نظام اقتصادی با مبانی مستحکم، نظام سرمایه داری و نظام سوسیالیستی قرار دارد. نظام سرمایه بر اصالت فرد بنا نهاده شده است. در این نظام مالکیت خصوصی اصل و مالکیت عمومی استثنایی و در موارد ضروری است. در نظام کاپیتالیستی مالکیت خصوصی به طور مطلق پذیرفته شده است و دولت با اخذ مالیاتهای سنگین به اجرای وظایف خود می پردازد. نظام سوسیالیستی نیز بر پایه اصالت اجتماع بنا نهاده شده و مالکیت خصوصی محدود به شرایط خاص گردیده و یا بطور کامل حذف گردیده و دولت به عنوان ابر مالک محسوب می شود. با اینکه این دو نظام کاملاً در برابر یکدیگر قرار دارند اما نقطه مشترک آنها مادی بودن آنهاست. نزد هر دو مکتب، ماده اصل است و غیر آن در این اقتصاد یا هیچ جایگاهی ندارد و یا در مرحله بد قرار می گیرد.

### جایگاه رهبری در اقتصاد اسلامی

امامت و رهبری از ارکان مهم اقتصاد اسلامی محسوب می شود بطوری که می توان گفت هدف خدا از ارسال رسل و انزال کتب اجرای قسط و عدل از سوی رسولان بوده است. لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ... حدید ۲۵  
ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند.  
در این آیه اجرای قسط و عدل در جامعه به عنوان وظیفه رهبر بیان شده است.

حرکت امام علی علیه السلام در مدت زمان کوتاه خلافت خود، در اجرای همین خواسته آیات قرآن بوده است. ایشان در عهدنامه خود به مالک اشتر نخعی فرموده است: **وَإِنَّ أَفْضَلَ قُرَّةِ عَيْنِ الْأَوْلَادِ إِسْتِقَامَةُ الْعَدْلِ فِي الْبِلَادِ وَظُهُورُ مَوَدَّةِ الرَّعِيَّةِ.** نهج البلاغه، نامه ۵۳.

برترین چیزی که موجب روشنایی چشم زمامداران می شود، برقراری عدالت در همه جامعه و آشکار شدن علاقه رعایا نسبت به آنان است.

آری اعتماد و اطمینان مردم به حاکمان نتیجه عدالت آنها در رفتارشان با مردم است. اطمینانی که نوعی امنیت روانی را در جامعه و برای همه افراد آن مهیا می نماید و باعث وجد و سرور درونی و رفع افسردگی های روانی می شود.

## عوامل رشد توسعه اقتصادی

توسعه اقتصادی زاینده بهره‌گیری از تفکر در راستای طراحی، اجرا و بهره‌وری مناسب از نهایت ظرفیت‌های اقتصادی است. با این تعریف در می‌یابیم که برخی از عوامل توسعه عوامل مادی محسوب می‌شوند که به اندازه‌نقشی که در ایجاد توسعه می‌آفرینند، از اهمیت برخوردارند. بخش دیگر از عوامل توسعه، به عوامل فکری باز می‌گردد که بستر تفکر می‌تواند نقش عمده‌ای در ایجاد توسعه‌ای بالنده‌تر داشته باشد. این بستر را اگر معنویت اشغال کند بی‌تردید تمام مسیر حرکت را متحول خواهد ساخت و جامعه را در راستای همان معنویت قرار خواهد داد. سه عنصر اساسی در این باره عبارتند از بینش الهی، عدالت اجتماعی و عدالت.

### بینش توحیدی

مهم‌ترین ابزار برای کارآمد شدن همه تصمیم‌ها، برخورداری از جهانبینی الهی است و اراده‌های اقتصادی از این امر مستثنی نیست. این مهم به دو صورت امید به ثواب الهی به جهت کار شایسته و زجر از ورود در عذاب جهنم به خاطر تعدی به دیگران صورت می‌پذیرد. مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَهُمْ مَنْ فَزَعَ يَوْمَئِذٍ يُؤْمِنُونَ. نمل، ۸۹

برخلاف ایده‌ی برخی که ادیان الهی را بیانگر زندگی اخروی انسان می‌دانند، در همه این ادیان خاصه دین اسلام ارتباط تنگاتنگی بین دنیا و آخرت وضع شده است. به طوری که از مجموعه آیات قرآن، صدها آیه و هزاران روایت به این موضوع مهم اشاره تصریحی و تلویحی دارند و حتی کوتاهی در پرداختن به دنیا را مذمت ویژه نموده‌اند. قرآن در این باره می‌فرماید: اَبْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنَ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ. قصص ۷۷.

در آنچه خدا به تو داده، سرای آخرت را بطلب؛ و بهره‌ات را از دنیا فراموش مکن؛ و همان‌گونه که خدا به تو نیکی کرده نیکی کن؛ و هرگز در زمین در جستجوی فساد مباش، که خدا مفسدان را دوست ندارد.

و نیز می‌فرماید: فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ. جمعه ۱۰.

و هنگامی که نماز پایان گرفت (شما آزادید) در زمین پراکنده شوید و از فضل خدا بطلبید، و خدا را بسیار یاد کنید شاید رستگار شوید!

### دو نگاه به دنیا (آلی و استقلال‌ی)

اگر درباره زندگی ملل گوناگون و عقاید مختلف کاوشی داشته باشیم، دیدها و نگرشهای مختلفی را مشاهده می‌کنیم.

بر خلاف گروهی که تمام همّ و غمّ خود را برای رسیدن به کمال روانی بکار گرفته‌اند و از جهات مثبت دنیا اعراض جسته و گوشه‌گیری و رهبانیت را پیشه خود ساخته‌اند و بر خلاف دسته دیگر که ارضاء لذّات و غرایز را بر همه چیز ترجیح می‌دهند، ادیان الهی به شکل دیگری به دنیا می‌نگرند.

از نظر همه ادیان الهی، دنیا گذرگاهی است برای بازگشت آگاهانه و وصال به خداوند. در این نگرش، انسان، نه به افق دوردست می‌نگرد، نه فقط به جلو پای خویش چشم می‌دوزد و نه جهان را چون مغالطه‌گران پوچ می‌انگارد. بلکه هم به افق، چشم خیره کرده است و هم برای تشخیص راه از چاه و گریز از آفت‌های مسیر به جلوی پایش چشم می‌دوزد. عقیده چنین انسان دینی در مورد دنیا این است که دنیا را ظاهری است غیر قابل انکار، و باطنی است واقعی، پس کسی بهره از دنیا می‌برد که ظواهرش وی را فریب ندهد و تنها خوشه‌چین منافع دنیا برای رسیدن به حاقّ آن باشد.

بر اساس این بینش، انسان هر لحظه در حال تکاپو است. او هر لحظه، وصال دوست را در افق دوردست می‌بیند و کشان کشان خود را بدانجا می‌رساند و در هر حرکت و جنبشی، توان مضاعفی برای ادامه طریق می‌گیرد و در هر لغزشی، ضعفی و رکودی در خود احساس می‌کند.

### نگرش اسلام به زندگی

به واسطه اینکه قرآن تنها کتاب محرف نشده الهی است، نگرشی که از ادیان الهی ذکر شد به شکل زیباتر و در عین حال استدلالی‌تر، در دین مقدس اسلام و قرآن قابل تبیین است.

اسلام منافع و مضارّ دنیا را بیان می‌کند و انسان را تشویق به جلب منفعت و دفع ضرر می‌نماید و به عبارت دیگر اسلام دنیا را در حد یک وسیله و ابزار بسیار خوب می‌داند و به آن بها می‌دهد، دنیا در نظر اسلام آلت است و نگاه اسلام به دنیا نگاه آلی می‌باشد، نه استقلالی.

به این مثال توجه کنید: شخصی برای خرید آینه‌ای وارد بازار می‌شود، آینه‌ای را می‌بیند، بدست می‌گیرد، زیر و رو می‌کند به جنس، قطر، شفافیت و صاف بودن آینه می‌اندیشد، این یک نگاه استقلالی است، برای این شخص آینه مهم است، نفس آینه اعتبار دارد و بس، لذا اگر همان

لحظه که در صفحه آینه می‌نگرد، بر صورتش لکه‌ای باشد آن را نمی‌بیند و اصولاً به آن توجه ندارد.

اما گاهی انسان به آینه نگاه می‌کند تا آرایش صورت خود را مشاهده کند، لکه‌ای را مرتفع کند، مانعی را بردارد، خاری از چشم خود خارج کند و... این نگاه با نگاه اول متفاوت است، نگاه شخص در اینجا آلی است. وی به جنس آینه و ارزش آن دقت ندارد. لذا اگر همان لحظه از وی در مورد هیأت آینه و جنس آن سؤال شود چه بسا بی‌توجه باشد. زیرا در این حد که مشکل خودش حل شود، آینه را نگاه می‌کند، بهاء آینه نزد وی بهای حل مشکل است.

دیدگاه قرآن در مورد دنیا، دیدگاه دوم است. قرآن دنیا را به اندازه ابزار و وسیله‌ای برای بازشدن پیچ سعادت و ترقی و تکامل انسان و رسیدن وی به مقام رضایت الهی می‌پسندد و بس. قرآن می‌گوید: *إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّى إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَيْهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيداً كَأَنْ لَمْ تَغْنِ بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ.* یونس ۲۴.

زندگی دنیا مثل آبی است که از آسمان نازل کردیم که بر اثر آن گیاهان گوناگون که مردم و چهارپایان از آن می‌خورند می‌روید، تا زمانیکه روی زمین زیبایی خود را از آن گرفته و تزئین می‌شود و مردم مطمئن می‌شوند که می‌توانند از آن بهره ببرند ناگهان فرمان عذاب ما فرا می‌رسد و آن چنان آن را نابود می‌کنیم که گویی نبوده است. اینچنین آیات خود را برای اهل تفکر بیان میداریم.

خداوند متعال در این آیه، دنیا را به حیات و مرگ نبات تشبیه فرموده تا بهتر در اذهان جای گیرد. زندگی و مرگ گیاه برای انسان چیزی محسوس است، اگر او فقط زندگی خود را می‌بیند و بعد از مرگ خود را نمی‌تواند با چشم عادی بنگرد، اما همین چشم عادی وی با اندک توجهی زندگی پس از مرگ نبات را مشاهده می‌کند و لذا می‌تواند خود را به آن قیاس نماید.

## دنیا در روایات

نگرش روایات معصومین علیهم افضل صلوات المصلین را به دنیا می‌توان به دو دسته تقسیم کرد.

دسته اول، اخبار و احادیثی هستند که هرگونه انزوا و گوشه‌گیری در دنیا و نسبت به دنیا، قابل سرزنش می‌دانند و دستور به منع و ترک آن می‌دهند. این دسته از روایات، دنیا را در حد پل و گذرگاه می‌پذیرند و از انسان می‌خواهند که از دنیا استفاده کند و توشه برای زندگی ابدی خود فراهم نماید. به چند روایت در این زمینه توجه فرمائید:

قال الحسن بن علی المجتبیٰ علیهما السلام: اِعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَاِعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا. مستدرک الوسائل - جلد ۱۳ - صفحه ۵۸.

برای دنیای خود چنان تلاش کن که گویا همیشه زنده‌ای و برای آخرت چنان تلاش نما که گویی فردا خواهی مرد.

قال الباقر علیه السلام: لَيْسَ مِنَّا مَنْ تَرَكَ دُنْيَاهُ لِآخِرَتِهِ وَ لَا آخِرَتَهُ لِلدُّنْيَا. وسایل الشیعه - جلد ۱۲ - صفحه ۴۹.

از ما نیست کسی که دنیا را برای آخرت یا آخرت را برای دنیا ترک گوید.

قال الصادق علیه السلام: نَعْمَ الْعَوْنُ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ. وسایل الشیعه - جلد ۱۲ - صفحه ۱۷.

کمک‌کار خوبی است دنیا برای آخرت.

قال الهادی علیه السلام: الدُّنْيَا سَوْقٌ رِيحٌ بِهَا قَوْمٌ وَخَسِرَ الْآخِرُونَ. بحار الانوار - جلد ۷۸ - صفحه ۳۶۶.

دنیا بازاری است که در آن عده‌ای سود و دسته‌ای زیان می‌بینند.

دسته دوم از روایات، دنیا و مظاهر آن از جمله کار و تلاش اقتصادی را بشدت مورد نکوهش قرار می‌دهند و اساسا دنیا را منبع شرور و گناهان میدانند.

قال علی علیه السلام: الدُّنْيَا مَعْدِنُ الشَّرِّ وَمَحَلُّ الْغُرُورِ. غررالحکم.

دنیا منشأ شر و محل فریب است.

بی شک هیچ کس چون علی علیه السلام، دنیا را با مثل‌های مشتمل‌کننده مذمت نکرده است. حضرت می‌فرماید:

- فَلْتَكُنِ الدُّنْيَا فِي أَعْيُنِكُمْ أَصْغَرَ مِنْ حُنَّالَةِ الْفَرَطِ وَ قُرَاضَةِ الْجَلْمِ. نهج البلاغه، خطبه ۳۲.

ای مردم، دنیا در نظر شما بایستی کم‌ارزش‌تر از پوست درخت و اضافی‌ها و دم‌فچی‌های پشم‌چیده شده حیوانات باشد.

- دُنْيَاكُمْ هَذِهِ أَزْهَدَ عِنْدِي مِنْ عَفْطَةِ عَنَزٍ. همان، خطبه ۳.

دنیای شما با همه زینتهایش نزد من، از آب بینی گوسفند بی‌ارزش‌تر است.  
 - وَإِنَّ دُنْيَاكُمْ عِنْدِي لَأَهْوَنُ مِنْ وَرَقَةٍ فِي فَمِ جَرَادَةٍ تَقْضُمُهَا، مَا لِعَلِيٍّ وَ لِنَعِيمٍ يَفْنَى وَ لَذَّةٍ  
 لَا تَبْقَى. نهج البلاغه، خطبه ۲۱۵ به ترتیب فیض الاسلام و ۲۲۴ به ترتیب صبحی صالح.

و دنیای شما نزد من از برگ جویده‌ای در دهان ملخی، خوارتر است. علی را با نعمت‌های فانی  
 شدنی و لذت‌های نابود شدنی چکار؟

- وَاللَّهِ لَدُنْيَاكُمْ هَذِهِ أَهْوَنُ فِي عَيْنِي مِنْ عِرَاقِ خِنْزِيرٍ فِي يَدِ مَجْدُومٍ. نهج البلاغه، حکمت ۲۲۸  
 به ترتیب فیض الاسلام و ۲۳۶ به ترتیب صبحی صالح.

به خدا سوگند دنیای شما نزد من، از استخوان خوکی در دست یک جذامی پست‌تر است.  
 وَ لَهِيَ فِي عَيْنِي أَوْهَى وَ أَهْوَنُ مِنْ عَفْصَةٍ مَقْرَةٍ. نهج البلاغه، نامه ۴۵.

این دنیا در جلو چشم من، بی‌ارزش‌تر از دانه تلخی است که بر شاخه درخت بلوط برآید.  
 جمع بین این دو دسته از اخبار به این است که بگوئیم دنیای مذموم دنیائی است که استقلالاً  
 مورد نظر باشد. اما دنیائی که به عنوان آلت و ابزار و برای رسیدن به هدف غائی و نعمت  
 سرمدی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد و به اندازه‌ای از آن که هدف را محقق کند اکتفا  
 می‌شود، مذموم نیست بلکه ستوده شده نیز می‌باشد.

## عدالت

عدل محور تمام اوصاف حسنه و کانون تمامی دستورات اسلام و عالی‌ترین و ایده‌آل‌ترین آرمان  
 عقل است. خروج از این صفت و میل به دو حالت افراط و تفریط در آن مورد نکوهش عقل و  
 شرع قرار گرفته و رذیله محسوب می‌شود.

اولین نتیجه حکومت عادلانه این است که جامعه احساس امنیت می‌کند و حتی ظالمینی که  
 حقّ مظلوم از آنها بازستانده می‌شود، هرچند ممکن است خود را ناراضی جلوه دهند، ولی  
 همانها نیز چون خود را از غارتگران دیگر در امان می‌بینند، از عدل نگران نخواهند بود و اجرای  
 عدالت را ضامن امنیت تمام جامعه می‌دانند.

حاصل دوم اجرای عدالت و یا به تعبیر دیگر نتیجه امنیت اجتماعی، مودت و محبت مردم  
 نسبت به کارگزاران و زمامداران بوده و این موجب ایجاد پایگاه وسیع مردمی برای حکومت  
 می‌شود.

سومین اثر حکومت عادلانه این است که سیر حکومت برپایه عدل، شکوفائی اقتصادی جامعه را  
 در پی خواهد داشت.

## خطرهای در کمین عدالت اقتصادی



حاکم جامعه اسلامی باید بداند که اجرای عدالت از سوی وی با واکنش های مثبت و منفی روبرو خواهد شد. واکنش منفی از سوی کسانی که در کنار حاکم بودن خود را مایه رسیدن به دنیا می دانستند، و عکس العمل مثبت از سوی کسانی به حقوق از دست رفته خور رسیده اند.

### خویشان حاکم

از جمله خطرهایی که در کمین عدالت اقتصادی مملکت او است، وجود خویشان و دوستانی است که بدنبال دخالت در امور اقتصادی هستند تا با سوء استفاده از حاکم، فضای امن در اطراف خود ایجاد کنند. این دسته از اعوان و انصار کارگزاران، با استفاده از آبروی حاکم، گلوگاه های مهم اقتصادی را به کنترل خود در آورده و نبض اقتصاد جامعه را در دست می گیرند.

وجود چنین وابستگی برای حاکم، وی را از جامعه دور می سازد و حکومت او را به سوی دیکتاتوری و استبداد سوق می دهد، و زوال آن را نزدیک می گرداند. حضرت امیرعلیه السلام جهت مصونیت حاکم از چنین عواقب خطرناکی خطاب به مالک فرموده اند: *ثُمَّ إِنَّ لِلْوَالِي خَاصَّةً وَبِطَانَةً، فِيهِمْ اسْتِثْنَاءٌ وَتَطَاوُلٌ، وَقِلَّةٌ إِنْصَافٍ فِي مَعَامَلَةٍ، فَاحْسِبْ مَادَّةَ أَوْلِيكَ بِقَطْعِ أَسْبَابِ تِلْكَ الْأَحْوَالِ. وَلَا تُقْطِعَنَّ لِأَحَدٍ مِنْ حَاشِيَتِكَ وَحَامَتِكَ قَطِيعَةً، وَلَا يَطْمَعَنَّ مِنْكَ فِي اغْتِقَادِ عُقْدَةٍ، تَضُرُّ بِمَنْ يَلِيهَا مِنَ النَّاسِ، فِي شَرْبٍ أَوْ عَمَلٍ مُشْتَرَكٍ، يَحْمِلُونَ مَوْؤَنَتَهُ عَلَى غَيْرِهِمْ، فَيَكُونُ مَهْنَأُ ذَلِكَ لَهُمْ دُونَكَ، وَعَيْبُهُ عَلَيْكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.*

حاکم را خاصان و نزدیکان صاحب سری است که به اموال دیگران چشم دوخته و به اموال مردم دست دراز نموده و در تجارت نیز کم انصافند، پس ریشه ستم آنان را با قطع کردن اسباب و عوامل از میان ببر، و هرگز به اطرافیان و خویشان خودت زمینی (منبع اقتصادی) واگذار ننما. و نباید چنان باشی که خویشانت به تو طمع کنند تا قراردادی به سود آنان منعقد سازی و آنها بدان وسیله به سایر ملت ضرر برسانند و در آنچه با مردم شریک می شوند، چون سهمیه آب زراعی و هرچیز دیگر به خلاق تعدی نمایند و یا هزینه های کار خودشان را بردوش مردم بگذارند، که در این صورت سود این کار تجارتي برای آنها و عیب و ننگش در دنیا و آخرت برای تو است.

تعدی به حقوق جامعه

جان، مال و عرض، حریم‌های سه‌گانه انسان هستند و اسلام برای حفظ این سه‌حقّ برای هر مسلمانی و نیز هرکسی که در پناه اسلام قرار گرفته‌است، قوانینی خاص وضع نموده‌است. همچنین تعدی به هرکدام از این سه حقّ بزرگ، جرم محسوب می‌شود و مجرم براساس قوانین حقوقی و کیفری اسلام باید جزای جرم خود را ببیند.

تعدی به جان انسانها در چهارچوبه قتل عمد و شبه‌عمد و خطائی و نیز هرگونه آسیب به اعضاء بدن جنایت شمرده شده و مجرم موظف به تحمل قصاص و یا پرداخت دیه و ارش جنایت است. تعدی به اموال دیگران در قالب غصب، سرقت، افزون‌طلبی و... نامشروع بوده و متعدی موظف به برگرداندن اموال، پرداخت غرامت و نیز تن به اجرای حد شرعی و تعزیر می‌باشد.

تعدی به نوامیس دیگران از تهمت و افتراء گرفته تا فحشا جنسی مستلزم تحمل حدودی چون تازیانه، سنگسار، قتل و یا تعزیرات مختلف است. حاکم اسلامی موظف است برای پیشبرد اهداف کلان دینی در حوزه‌های مختلف از جمله اقتصاد، سه حقّ عموم مردم را تضمین نماید و متخلفین را برای تنبیه و عبرت‌گیری دیگران به سزای عملشان برساند. البته هرگونه قصور حاکم اسلامی در این زمینه موجب تباهی جامعه در همه زمینه‌ها و نیز باعث رکود اقتصاد با بلوکه شدن سرمایه‌ها و یا خروج سرمایه از کشور خواهد شد.

### دستگیری خاص از مستمندان

ثروت جامعه خاص همه جامعه شهری و روستایی، بزرگ و کوچک است. و استفاده از این ثروت برای توسعه شهرها و یا بعضی شهرها و یا محله‌های خاص از شهر و نیز سرازیر شدن بیت‌المال عمومی به سوی گروهی و دسته‌ای خاص و... خلاف عدالت اجتماعی است. عدالت اجتماعی زمانی محقق می‌شود که هرکس به اندازه باری که بر بیت‌المال تحمیل می‌کند و به قدر امکاناتی که از بیت‌المال استفاده می‌کند، حقوق خود را اداء کند نه بیشتر که تعدی به وی است و نه کمتر که تعدی به تمام جامعه محسوب می‌شود.

### فراوانی منابع دنیا

برخلاف دیدگاه اقتصاد دانان که منابع اقتصادی را محدود و آینده را تیره و تار می‌بینند قرآن از منابع نامحدود سخن به میان آورده و می‌گوید: اگر نعمت خدا را شماره کنید، نمی‌توانید آن را بشمار در آورید. وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا إِنَّ لِنَاسٍ لِّظُلْمٍ كَفَّارًا. ابراهیم ۱۴.

## عوامل انحراف از عدالت

### ۱- چاپلوسی

هرچند تمجید و تقدیس دیگران به واسطه عمل و اخلاق نیکشان لازمه اخلاق اسلامی و نوعی شکرگزاری از مخلوقین خداوند است.

ولی احترام بیشتر از حد جواز، خلق اسلامی شمرده نمی‌شود و دو منشاء ناپسند دارد که عبارتند از: سفاهت و کم‌خردی یا فرصت‌طلبی و منفعت‌خواهی.

تملق و چاپلوسی پیامدهای فاسدی به دنبال دارد و حرمت آن همانند بسیاری معاصی دیگر، به خاطر آثار زیانبار آنست. این گناه علاوه بر سلب عزت چاپلوس و نابودی شخصیت انسانی وی، به منزله ذبح ستایش شده و هلاک نمودن او می‌باشد.

قال رسول الله صلى الله عليه وآله : « إِيَّاكُمْ وَ الْمَدْحَ فَإِنَّهُ ذَبْحٌ . كنز العمال - ۸۳۳۰ .

*از ستایش (ستایش بیجا) بپرهیز که آن در واقع ذبح کردن ممدوح است.*

و نیز می‌فرماید: لَوْ مَشَى رَجُلٌ إِلَى رَجُلٍ بِسِكِّينٍ مُرْهَفٍ كَانَ خَيْرًا لَهُ مِنْ أَنْ يُثْنِيَ عَلَيْهِ فِي وَجْهِهِ . محجة البيضاء - جلد ۵ - صفحه ۲۸۴ .

*اگر آدمی با چاقوئی تیز سوی کسی رود ، برای او بهتر است که در جلو چشمش او را ستایش کنند و مدح نمایند .*

و حضرت امیر علیه السلام نیز فرموده است: کسی که تو را ستایش کرده در واقع تو را ذبح نموده است. مَنْ مَدَحَكَ فَقَدْ ذَبَحَكَ. غرر الحکم.

چنین مدحی چه بسا ممدوح را مغرور سازد ، بخود ببالد و عجب و کبر بخود راه دهد ، گناهایی که سرآغاز بسیاری از معاصی و همه انواع ظلم به خدا و غیر و خود شمرده شده است .

شخصی در پیشگاه پیامبر خداصلی الله علیه وآله از کسی تعریف می‌کرد ، حضرت به وی فرمودند: به گوش او مرسا که او را هلاک می‌کنی ، اگر از تو بشنود ، رستگار نمی‌شود. لَا تُسْمِعُهُ فُتْهُلِكَهُ ، لَوْ سَمِعَكَ لَمْ يُفْلِحْ . كنز العمال - ۸۳۳۹ .

ظرف حلم همه انسانها مثل هم نیست ، و چه بسیارند کسانی که با ستایش شدن، خود را در دام ابلیس و اسیر او قرار می‌دهند.

امام علی علیه السلام در پاسخ کسی که از وی ستایش می‌کرد، فرمودند: هر کس خدای را از همه چیز برتر می‌داند، باید غیر او در مقابل دیدگانش اندک تصور شود، و هر که بیشتر مشمول احسان خدای قرار گرفته به این شایسته‌تر است، و بدانید:

إِنَّ مِنْ أَسْخَفِ حَالَاتِ الْوُلَاةِ عِنْدَ صَالِحِ النَّاسِ أَنْ يَطْنَ بِهِمْ حُبُّ الْفَخْرِ وَيُوضَعُ أَمْرُهُمْ عَلَى الْكِبَرِ ، وَ قَدْ كَرِهْتُ أَنْ يَكُونَ جَالٌ فِي ظَنِّكُمْ آتَى أَحَبُّ الْأَطْرَاءِ وَ اسْتِمَاعِ الثَّنَاءِ وَ لَسْتُ بِحَمْدِ اللَّهِ كَذَلِكَ. نهج البلاغه - خطبه ۲۰۷ به ترتیب فیض و ۲۱۶ به ترتیب صبحی.

از بدترین حالات زمامداران نزد بندگان صالح خداوند این است که گمان برده شود آنان فریفته تفاخر شده و کارشان شکل برتری جوئی به خود گرفته است، من از این ناراحتم که حتی به ذهن شما خطور کند که من مدح و ستایش را دوست دارم و از شنیدن آن لذت می‌برم. من بحمد الله چنین نیستم.

به همین جهت در شیوه برخورد با مداح گفته شده است که نباید به مداح اجازه مدح داد، مقداد بن عمرو می‌گوید: رسول خدا صلی الله علیه وآله به ما دستور داد که به صورت تملق گویان خاک بپاشیم. أَمَرَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ نَحْتُو فِي وَجُوهِ الْمَدَّاحِينَ التُّرَابَ. وسایل الشیعه - جلد ۱۲ - صفحه ۱۳۳ و سنن ابن ماجه - جلد ۲ - صفحه ۱۲۳۲.

نیز رسول خدا صلی الله علیه وآله می‌فرماید: هر گاه تو را مدح کردند بگو: «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي خَيْرًا مِمَّا يَطْنُونَ وَ اغْفِرْ لِي مَا لَا يَعْلَمُونَ وَ لَا تَوَاحِدْنِي بِمَا يَقُولُونَ». بحار الانوار - جلد ۷۷ - صفحه ۶۶.

خدایا مرا بهتر از آنچه فکر می‌کنند قرار ده و هر چه را آنها از آن بی‌خبرند بر من ببخشای، و به آنچه آنان می‌گویند مرا مؤاخذه نکن.

همچنین گفته شده است در برابر مدح مداحان شاد نشوید. روزی در جنگ صفین حضرت امیر علیه السلام خطبه ایراد می‌فرمود و در ضمن خطبه‌اش حقوق زمامدار بر رعیت و حقوق رعیت بر زمامدار را بر می‌شمرد. یکی از یاران امام علیه السلام برخاست و با سخنان طولانی حضرت را بسیار ستود و اطاعت خود را از امام اعلام نمود.

وی در ضمن بیاناتش گفت: أَنْتَ أَمِيرُنَا وَ نَحْنُ رَعِيَّتُكَ ، بِكَ أَخْرَجَنَا اللَّهُ مِنَ الدُّلِّ وَ بَاغَزَاكَ أَطْلَقَ عِبَادَهُ مِنَ الْعُلِّ « حضرت پاسخ او را بیان کردند و از جمله فرمودند: فَلَا تُثْنُوا عَلَيَّ بِجَمِيلِ ثَنَاءٍ لِإِخْرَاجِي نَفْسِي إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَ إِلَيْكُمْ مِنَ التَّقِيَّةِ فِي حَقُوقٍ لَمْ أفرُغْ مِنْ أَدَائِهَا. نهج البلاغه - خطبه ۲۰۷ به ترتیب فیض و ۲۱۶ به ترتیب صبحی و بحار الانوار - جلد ۷۷ - صفحه ۳۵۳.

تو امیر ما هستی و ما رعیت تو هستیم ، خداوند به وسیله تو ما را از پستی نجات داد و به عزت و شوکت تو بندگانش را از زنجیرها رهایی بخشید. مرا با سخنان خویش ستایش مکنید من می‌خواهم از مسئولیتی که بر گردن دارم خارج شوم ، و هنوز از اداء حقوقی که خداوند و نیز شما بر عهده من دارید ، فارغ نشده‌ام.

## ورود زن در عرصه اقتصادی

عدالت اقتصادی اسلام اقتضا می کند زن نیز بتواند فعالیت اقتصادی داشته باشد. وی توان آن را دارد که با کسب مشروع و فعالیت اقتصادی ولو در خانه از سود حاصله از فعالیت اقتصادی خود بهره برد. قرآن کریم برای زن مالکیت را پذیرفته و انواعی از ثروتها را مانند مهر، ارث، دیه، کسب مشروع و ... به او اختصاص داده است.

وَأَتَوَالِنِّسَاءِ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً. نساء ۴.

لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ. نساء ۳۲.

لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا. نساء ۷.

## توکل

پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه وآله از جبرائیل امین علیه السلام پرسید: توکل به خداوند عزّ و جلّ چیست؟ او در جواب گفتند: أَلْعِلْمُ بِأَنَّ الْمَخْلُوقَ لَا يَضُرُّ وَ لَا يَنْفَعُ وَ لَا يُعْطَى وَ لَا يَمْنَعُ، وَ اسْتِعْمَالِ الْيَأْسِ مِنَ الْخَلْقِ، فَإِذَا كَانَ الْعَبْدُ كَذَلِكَ لَمْ يَعْمَلْ لِأَحَدٍ سِوَى اللَّهِ وَ لَمْ يَرْجُ وَ لَمْ يَخَفْ سِوَى اللَّهِ وَ لَمْ يَطْمَعْ فِي أَحَدٍ سِوَى اللَّهِ، فَبِهَذَا هُوَ التَّوَكُّلُ. بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۱۳۸.

دانستن اینکه، مخلوق ضرر و نفعی ندارد، نه می‌بخشد و نه توان منع از آن را داراست. و نیز از آنچه که نزد مردم است مأیوس باشد. اگر چنین شد، بنده برای غیر خدا عملی انجام نمی‌دهد، و به غیر او امید نداشته و از غیر او هراسی ندارد و به کسی غیر از خداوند طمع ندارد و این همان توکل است.

نقش توکل به عنوان نماد اصلی توسعه و پیشرفت اقتصادی قابل انکار نیست. انسان برای انجام امور خود به غیر خویش محتاج است، و چون گاهی، از دست غیر هم کاری ساخته نیست و می‌بایست به مبدایی غیر متناهی چشم بدوزد و از وی استمداد طلبد. اعتماد به خداوند متعال

در کلیه امور جزئی و کلی و اطمینان به یاری او، اصطلاحاً توکل نامیده می‌شود. توکل در همه مسائل خاصه معیشت و اقتصاد که از سوی زیاده خواهان بیشتر خطر پذیرند، نقش مهمی دارد.

### زمان توکل

برای اینکه این شبهه پیش نیاید که توکل چه بسا موجب سستی و رکود در کار و تلاش شود، به نقل داستان و روایتی از پیامبر خدا اکتفا می‌شود.

یکی از اصحاب پیامبر معظم‌صلی الله علیه و آله از حضرت می‌پرسد: آیا رها کنم و توکل نمایم؟ حضرت در پاسخ فرمود: آن را ببند و توکل نما. قَيِّدْهَا وَ تَوَكَّلْ. کنز العمال، ۵۶۹۸.

علاوه اینکه اسلام با رکود و سستی حتی به بهانه توکل به شدت مخالف است، رسول خداصلی الله علیه و آله عده‌ای را مشاهده کرد که زراعت نمی‌کردند و امرار معاش نمی‌نمودند، حضرت فرمود: شما چه دسته‌ای هستید؟ عرض کردند: متوکل هستیم. حضرت در پاسخ فرمود: لا، بَلْ أَنْتُمْ مُتَّكِلُونَ. خیر، شما تکیه کنندگان هستید. مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۱۷.

وقتی آیه شریفه: وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً × وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ. سوره طلاق، آیات ۲ و ۳) کسی که تقوای الهی پیشه کند خداوند را خروج از مشکلات برای او قرار می‌دهد و او را از جایی که گمان نبرد روزی می‌رساند. نازل شد، عده‌ای از اصحاب پیامبرصلی الله علیه و آله در منزل نشستند و به امید رسیدن روزی، مشغول عبادت شدند، پیامبر متوجه شدند و به کارشان ایراد گرفتند و فرمودند: اِنِّي لَأَبْغَضُ الرَّجُلَ فَاغْرَأَ فَاةً اِلَى رَبِّهِ: اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي، وَ يَتْرُكُ الطَّلَبَ. تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۳۵۷.

من کسی که لب به سوی پروردگارش باز کند و بگوید خدایا مرا روزی بده ولی طلب روزی نکند، مبعوض می‌دانم .

اثر مهم توکل اعتماد به نفس در مقابل اعتماد به غیر است که صفتی ممدوح و پسندیده است، اما اعتماد به نفس در مقابل اعتماد به خداوند متعال، صفت رذیله می‌باشد، معنای این صفت، عجب و غرور و خودبزرگ‌بینی است و دقیقاً در مقابل توکل قرار گرفته و متضاد آن است.

### آثار توکل

اهمیت زیادی که برای توکل ذکر کردیم بیانگر این مطلب است که می‌بایست این خصیصه، آثار روانی و جسمانی مهمی داشته باشد. اینک غیر از آنچه گذشت، برخی از آثار دیگر را به طور خلاصه مطرح می‌نماییم:

#### ۱ - پشتوانه محکم

توکل به خداوند در مشکلات، پشتوانه‌ای محکم بوده و انسان ضعیف را به مبدأ قدرت و توان متصل می‌سازد. این مهم مخصوصاً در مشکلات اقتصادی که گاه با چالش‌های جدی و ریسک‌های بزرگ روبروست تاثیر بسزائی دارد.

#### ۲ - تقویت روحیه

به دنبال حصول اثر سابق، قلب انسان متوکل تقویت یافته و سختی پیش آمده را در مقابل عظمت خداوند و توان لامتناهی او کوچک می‌شمارد و آماده دریافت فیض حق می‌شود. حضرت امیرعلیه السلام ریشه قوت قلب را توکل معرفی نموده است. *أَصْلُ قُوَّةِ الْقَلْبِ التَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ..* غرالحکم.

#### ۳ - تسهیل امور

بسیاری از سختی‌ها در حوزه‌های مختلف از جمله مسائل اقتصادی به واسطه ضعف روحیه، و ایجاد حالت یأس و پریشانی، ایجاد می‌شود، اما شخص متوکل با داشتن روحیه قوی، در مقابل ناملازمات صبورتر و پایدارتر بوده و همین امر موجب ساده شدن مشکلات بر وی می‌شود. زیرا او مصائب را در مقابل روح قوی خود، ضعیف می‌شمارد و با همین دید، در مقابل آن قرار می‌گیرد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: *مَنْ تَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ هَانَتْ لَهُ الصَّعَابُ وَ تَسَهَّلَتْ عَلَيْهِ الْأَسْبَابُ وَ تَبَوَّءَ الْخَفْضُ وَ الْكِرَامَةُ.* غرالحکم.

کسی که به خدا توکل کند، سختی‌ها در برابرش آسان شوند و راهکارها هموار گردند و در آسایش و کرامت جای گیرد.

#### ۴ - پیروزی

اثر پنجم توکل به دنبال آثار سابق، پیروزی و موفقیت متوکل است. امام باقرعلیه السلام می‌فرماید: کسی که به خداوند توکل کند مغلوب نمی‌شود و آنکه به او چنگ زند شکست نمی‌خورد.

مَنْ تَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ لَا يَغْلِبْهُ، وَ مَنْ اِغْتَصَمَ بِاللَّهِ لَا يُهْزَمُ. بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۱۵۱.

## نتیجه

نگارنده بر آن بود تا ضمن بررسی چهار شاخصه اصلی اقتصاد اسلامی، آن را از سایر اقتصاد های مطرح دنیا متمایز سازد.

نویسنده معتقد است هرکس بدون هیچ پیش ادراکی بخواهد در این باره به بررسی بپردازد، این مهم را خواهد یافت که تنها راه ایجاد ثبات در اقتصاد، مبتنی شدن آن بر خواسته خدا و نه خواسته انسان ها که خود ذینفع هستند، خواهد بود. اسلام با معرفی جهان بینی الهی از سویی و نیز اهمیتی که برای فرد و اجتماع قائل است، تز اقتصاد بر مبنای اخلاق را برای تکامل معنوی انسان و جامعه معرفی می کند. به نظر اسلام پیشرفت در همه زمینه ها و نیز در اقتصاد بدون توجه به جهان بینی الهی و پذیرش مبدأ و معاد نه تنها امکان پذیر نیست بلکه اغوایی دیگر و بسی بدتر از تأثیر سایر فریبهای شیطان می باشد.

امید که در این سال که سال جهاد اقتصادی نامیده شده است، اندیشمندان اسلامی با برخوردی تهاجمی و نه از سر دفاع، بتوانند با بهره گیری از همه ظرفیت ها و نیز متدهای علمی، اقتصاد های کاپیتالیستی و سوسیالیستی را در منظر فرهیختگان جهان به چالش بکشانند و راهی را برای برون رفت از معضل اقتصادی جهان بیابند.

## منابع

بعد از قرآن کریم

## تفسیری

- تفسیر آصفی - مولی محمد حسن فیض کاشانی - م ۱۰۹۱ - چاپ اول ۱۴۱۸ - مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

- تفسیر التبیان فی تفسیر القرآن - أبو جعفر محمد بن الحسن طوسی - م ۴۶۰ - چاپ اول ۱۴۰۹ دفتر تبلیغات اسلامی.

- تفسیر جامع الجوامع - أبو علی فضل بن حسن طبرسی - م ۵۶۰ - چاپ اول ۱۴۱۸ مؤسسه نشر اسلامی.

- تفسیر الدر المنثور - جلال الدین سیوطی - م ۹۱۱ - چاپ اول ۱۳۶۵ الفتح - جده - دارالمعرفة - بیروت.

- تفسیر زاد المسیر فی علم التفسیر - أبو الفرج جمال الدین عبد الرحمن بن علی بن محمد الجوزی القرشی - م ۵۹۷ - چاپ اول ۱۴۰۷ دارالفکر بیروت.

- تفسیر روض الجنان و روح الجنان - ابوالفتوح رازی - بنیاد پژوهشهای اسلامی - مشهد.



- تفسير في ظلال القرآن - سيد قطب - دار الشروق - القاهرة.
- تفسير القرآن العظيم - أبو الفراء اسماعيل بن كثير قرشي دمشقي - م ٧٧٤ چاپ ١٤١٢ دار المعرفة - بيروت.
- تفسير القرطبي - شمس الدين ابو محمد قرطبي - م ٦٧١ - چاپ ١٤٠٥ دار احياء التراث العربي - مؤسسه التاريخ العربي - بيروت.
- تفسير القمي - ابو الحسن على بن ابراهيم قمي - م ٣٢٩ - چاپ سوم ١٤٠٤ - مؤسسه دارالكتاب.
- تفسير الكشاف - جار الله زمخشري - م ٥٣٨ - دارالكتب العلمية - بيروت.
- تفسير كنز الدقائق - ميرزا محمد مشهدي قمي - م ١١٢٥ - چاپ اول ١٤١٧ مؤسسه نشر اسلامي زير نظر جامعه مدرسين.
- تفسير مجمع البيان في علوم القرآن - أبو على فضل بن حسن طبرسي - م ٥٦٠ - چاپ اول ١٤١٥ مؤسسه الاعلمي للمطبوعات - بيروت.
- التفسير المنسوب به امام حسن عسكري - م ٢٦٠ - چاپ اول ١٤٠٩ مهر - مدرسه الامام المهدي.
- تفسير الميزان في تفسير القرآن - علامه سيد محمد حسين طباطبائي - م ١٤٠٢ - مؤسسه نشر اسلامي زير نظر جامعه مدرسين.
- تفسير نور الثقلين - عبد على بن جمعة عروسي حويزي - م ١١١٢ - چاپ چهارم ١٤١٢ مؤسسه اسماعيليان.

## روايي

- الاستبصار، أبو جعفر محمد بن الحسن طوسي، م ٤٦٠، چاپ چهارم ١٣٦٣ ش، خورشيد، قم، دارالكتب الاسلاميه.
- اقبال الاعمال، سيد رضی الدين على بن موسى جعفر بن طاووس، م ٦٦٤، چاپ اول ١٤١٤، دفتر تبليغات اسلامي.
- الامالي صدوق، ابو جعفر محمد بن على بابويه قمي شيخ صدوق، م ٣٨١، چاپ اول ١٤١٧، موسسه بعثه.
- الامالي سيد مرتضى، شريف المرتضى، م ٤٣٦، چاپ اول ١٣٢٥ هجري، كتابخانه حضرت آيت الله العظمي المرعشي النجفي قم، جامعه مدرسين.
- بحار الانوار، محمد باقر مجلسي، م ١١١٠، چاپ دوم ١٤٠٣، دارالوفاء، بيروت.
- بحار الانوار في تفسير المأثور القرآن، چاپ ايران.
- تحف العقول، ابن شعبه حراني، م قرن چهارم، چاپ دوم ١٤٠٤ ق، جامعه مدرسين.
- تنبيه الخواطر، ابو الحسين ورام بن ابى فراس.
- تهذيب الاحكام، أبو جعفر محمد بن حسن طوسي، م ٤٦٠، چاپ چهارم ١٣٦٥ شمسي، دارالكتب الاسلاميه، قم.
- ثواب الاعمال، ابو جعفر محمد بن على بابويه قمي شيخ صدوق، م ٣٨١، چاپ دوم ١٣٦٨، منشورات رضی، قم.
- الخصال، بابويه قمي شيخ صدوق، م ٣٨١، جامعه مدرسين حوزة علميه، قم.
- صحيح بخارى، محمد بن اسماعيل بخارى، م ٢٥٦، دار الفكر، بيروت، مطبعة الاعتدال، دمشق.
- صحيح مسلم با شرح نووي، م ١٤٠٧، دارالكتب العربي، بيروت.

- الصحيفة السجادية، امام زين العابدين، ٧، م ٩٤، دفتر انتشارات اسلامي، جامعه مدرسين حوزة علميه، قم.
- عيون اخبار الرضا، ابو جعفر محمد بن علي بابويه قمى شيخ صدوق، م ٣٨١، چاپ اول ١٤٠٤، مؤسسه الاعلمى للمطبوعات، بيروت.
- كافي، كليني، م ٣٢٩ ٣٢٨، سوم، ١٣٨٨ هجرى، حيدري، دارالكتب الاسلاميه آخوندى.
- كنز العمال، متقى هندی، م ٩٧٥ مؤسسة الرسالة، بيروت.
- مستدرک الوسائل، ميرزا حسين نوري، م ١٣٢٠، چاپ اول ١٤٠٨، مهر قم، مؤسسة آل البيت لاحياء التراث.
- مسند احمد، احمد بن حنبل، م ٢٤١ دارالصادر، بيروت.
- وسائل الشيعة (آل البيت)، حر عاملي م ١١٠٤، چاپ دوم، ١٤١٤، مهر قم، مؤسسة آل البيت لاحياء التراث.
- وسائل الشيعة، محمد بن حسن حر عاملي، م ١١٠٤، چاپ پنجم ١٣٩٨ مكتبة الاسلاميه، طهران.

## لغوي

- دهخدا، دهخدا، علي اكبر، چاپخانه دانشگاه تهران، تهران، ١٣٤٠ ش.
- كتاب العين، خليل بن احمد فراهيدى، دارالهجرة، قم، چاپ اول، ١٤٠٥ ق.
- قاموس قرآن، قرشى، علي اكبر، دارالكتب اسلاميه، تهران، ١٣٥٢ ش.
- لسان العرب، ابن منظور، محمد، نشر ادب الحوزه، قم، ١٤٠٥ ق/ ١٣٦٣ ش.
- مجمع البحرين فى اللغة، فخرالدين طريحي، مرتضوى، تهران، مج ٦، چاپ دوم، مج ١٣٦٥ ش.
- معجم مقاييس اللغة، ابن فارس، احمد، دارالكتب اللميه، قم.
- معراج السعاده، نراقى، احمد، سازمان انتشارات جاويدان.
- مفردات فى غريب القرآن، راغب اصفهانى، مرتضويه، تهران.
- المنجد فى اللغة، معلوف، لويس، انتشارات اسماعيليان، تهران، ١٣٦٢ ش.
- النهايه فى غريب الحديث و الاثر، ابن اثير، مبارك بن محمد، المكتبة العلميه، بيروت، ١٣٨٣ ق.

وَفَقَّكُمْ اللهُ لَمَا يُحِبُّ وَ يُرِضِي